

تکامدی^۱ پنهان در مابعدالطبیعه ابن سینا:

تأملی در استعمال اصطلاح «أئیت» و «أئیت» در الهیات شفا*

نوشته آموس برتولاچی

مترجمان: سید مهدی حسینی^۲، مستانه کاکائی^۳

چکیده

تصحیحی انتقادی از شاهکار مابعدالطبیعی ابن سینا - الهیات شفا - بسیار ضروری است تا بتوان مکتب فکری مابعدالطبیعی مؤلف آن را مورد ارزیابی قرار داده و میزان تأثیرپذیری او از ارسطو و سنت فلسفی مشائی را در ترازوی سنجش قرار داد. اصطلاح مطرح شده در این مقاله، عنوان «مقاله الأولى» الهیات شفا را به خود اختصاص می‌دهد که در آن اصطلاح «أئیت» که در نسخه‌های چاپی موجود از الهیات نیز همین اصطلاح متداول است، به احتمال زیاد باید به «أئیت» تغییر پیدا کرده و تصحیح شود. استعمال واضح و مبرهن اصطلاح دوم («أئیت») در دیگر بخش‌های کتاب شفا (همان‌طور که در نسخه‌های موجود به اشتباه «إئیت» ضبط شده)، علی‌الخصوص نسبت به بازنویسی رساله ایساغوجی مدخل فرفوروس توسط ابن سینا، این تصحیح مطرح شده را مورد تأیید قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که ابن سینا در آثار خود، از جمله الهیات شفا که قویاً به الگوها و ساختارهای فکری فارابی وابسته است، تلاش کرده تا اصول و اصطلاحات به کاررفته توسط کندی را به‌خوبی جای دهد.

کلیدواژه‌ها: ابن سینا، أئیت، أئیت، الهیات شفا، ایساغوجی.

۱- "Hapax legomenon" (απαξ λεγόμενον) اصطلاحی یونانی است و به کلمه‌ای اطلاق می‌شود که تنها یک‌بار در سراسر یک متن به کاررفته باشد. در مطالعات ادبی و زبان‌شناسی، این کلمات از نظر آماری و تحلیلی بسیار بحث‌برانگیز هستند، چرا که ممکن است درک معنایی آنها به دلیل نداشتن مشتقات دیگر دشوار باشد.

* با سپاس فراوان از دیمیتری گوتاس (دانشگاه ییل) به جهت خواندن دقیق و نظرات باارزش او درباره نسخه اولیه این مقاله. مایلم از رابرت ویستوفسکی، اسد احمد، هایدرون ایشتر و هانس دایبر به‌خاطر سهیم کردن اطلاعات در مورد نسخ خطی آثار ابن سینا با من، سپاسگزاری کنم. همچنین از کتابخانه الازهر قاهره، به‌ویژه آقای مهدی شلتوت، Center for Documentation of Cultural and Natural Heritage (CULTNAT) کتابخانه اسکندریه، به‌ویژه مدیر آن دکتر فتحی صالح، به‌خاطر ارائه کپی نسخ al-Azhar, Beḥīt 331 falsafa. تشکر می‌کنم. از به ویراستاران این مجموعه به‌خاطر توصیه‌های مفیدشان در مورد محتوا و سبک نگارشی بسیار سپاسگزارم.

۲- دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی. (Mehdi.Hossini9@protonmail.com)

۳- دانش‌آموخته دکتری فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی. mastaneh.kakaiy@gmail.com

مقاله حاضر، برجسته‌ترین اثر مابعدالطبیعی ابن سینا به نام «الهیات شفا» که مشتمل بر ده مقاله است را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ اثری که بخش چهارم و پایانی مشهورترین مجموعه منطق، طبیعیات، ریاضیات و مابعدالطبیعه ابن سینا را تشکیل می‌دهد. الهیات شفا از منظرهای مختلف و جنبه‌های متفاوتی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. اولاً، الهیات شفا مبسوط‌ترین اثر ابن سینا در باب مباحث مابعدالطبیعی است. ثانیاً، این اثر در ارائه و تحلیل مباحث مابعدالطبیعی، بیشترین ارتباط و پیوند را با کتاب مابعدالطبیعه ارسطو دارد. ثالثاً، الهیات شفا یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آثار ابن سینا محسوب می‌شود، چرا که بخش و انتشار گسترده‌ای در جهان اسلام پیدا کرد و اندکی پس از آن نیز به زبان لاتین ترجمه شد و از این رو، تأثیر عمیق و ماندگاری بر فلسفه مسیحی بر جای نهاد. هدف من در این مقاله، نشان دادن ضرورت تصحیحی انتقادی از الهیات شفا است؛ چرا که نشان خواهم داد که چگونه تصحیحی ظاهراً جزئی در متن این اثر، می‌تواند تأثیرات بسیار عمیقی بر فهم ما از اندیشه‌های مابعدالطبیعی ابن سینا، منابعی که وی از آنها بهره برده و الفاظی که به کار برده، داشته باشد.

من در موضع دیگری نشان داده‌ام که دانش فعلی ما از کتاب الهیات، تنها بر پایه بخش بسیار محدودی از مجموعه غنی و عظیم نسخ خطی این اثر است و هیچ یک از نسخه‌های چاپی آن (چاپ سنگی تهران، ۱۲۶۴ شمسی؛ چاپ فعلی قاهره، ۱۹۶۰ میلادی، توسط گروهی متشکل از چهار محقق؛ و نسخه چاپی قم، ۱۳۷۶ شمسی، توسط حسن‌زاده آملی) با معیارهای لازم برای تصحیح انتقادی دقیق و علمی منطبق نیستند.^۱ در واقع تصحیحات اولیه من برای نسخه قاهره - بر اساس مقایسه متن تصحیح شده توسط جورج شحاته فنواتی^۲، سعید زاید^۳، محمد یوسف موسی^۴ و سلیمان دنیا^۵ با چند نسخه خطی دیگر و نیز ترجمه

1. See A. Bertolacci, *The Reception of Aristotle's Metaphysics in Avicenna's Kitāb al-Šifā: A Milestone of Western Metaphysical Thought*, Brill, Leiden-Boston, 2006, pp. 483-485. Id., "On the Manuscripts of the *Ilāhiyyāt* of Avicenna's *Kitāb al-Šifā*", in *Islamic Thought in the Middle Ages. Studies in Text, Transmission and Translation*, in Honour of Hans Daiber, ed. A. Akasoy, W. Raven, Brill, Leiden 2008, pp. 59-75.

2. G.C. Anawati

3. S. Zayed

4. M.Y. Moussa

5. S. Dunya

لاتین قرون وسطایی و بخش‌های مشابه از «کتاب النجات» ابن‌سینا - در جوانب مختلفی راهگشا و کارساز بودند. برای مثال، آن‌ها از اصول دیگری که ابن‌سینا در آن‌ها از مابعدالطبیعه ارسطو متأثر بوده، پرده برمی‌دارند و نیاز به اعمال تصحیحاتی را که در دیگر آثار ابن‌سینا با کتاب الهیات همتراز هستند را مطرح می‌سازند. علاوه بر این، آن‌ها روشن می‌سازند که چگونه عبارات و اصطلاحات متداول مؤلفان عرب متأخر، موجب تحریف متن اصلی ابن‌سینا شده است و آنها حتی این امکان را فراهم می‌آورند تا در تصحیح انتقادی بسیار عالی ترجمه لاتین الهیات شفا، برخی اصلاحات صورت گیرد.^۱

در بسیاری از تصحیحاتی که تاکنون ذکر کرده و مورد بحث قرار داده‌ام، تغییرات عمده‌ای صورت گرفته است، نظیر تغییر اصطلاح «هویت» به «هوهویت»، «وجود» به «وحدت»، «مسبب» به «سبب» و الی آخر. در مقاله حاضر، به‌عنوان مثال، بر مورد تصحیحی بسیار ظریف - اما پر اهمیتی - تمرکز خواهم کرد که در آن عبارت ویرایش شده «أئیت» و تصحیح پیشنهادی آن «أئیت» تقریباً یکسان هستند. این تصحیح پیشنهادی، تک‌عبارتی در اثر الهیات محسوب می‌شود و تا آنجا که اطلاع دارم، اصطلاحی است که تا به حال، در فرهنگ اصطلاحات فلسفی ابن‌سینا به آن توجه نشده است. علاوه بر این، این امر نمونه‌ای دیگر از اتکای ابن‌سینا به اصطلاحات و مفاهیم خاص کندی، در کنار وابستگی او به دیگر مفاهیم و اصطلاحات به اثبات رسیده در آثار علمی را به تصویر می‌کشد. به کارگیری اصطلاح «أئیت» در الهیات شفا، به نوبه خود، با توجه به استعمال کثیر آن در بخش دیگری از کتاب شفا، یعنی در بخش منطقی آن که اقتباسی است از رساله ایساغوجی فرفوروس، امکان تصحیح «أئیت» به «أئیت» را فراهم می‌آورد.^۲

1. Bertolacci, *The Reception* cit., pp. 485–558; Id., “Some Texts of Aristotle’s *Metaphysics* in the *Ilāhīyāt* of Avicenna’s *Kitāb al-Šifā*” in *Before and After Avicenna. Proceedings of the First Conference of the Avicenna Study Group*, ed. D.C. Reisman, A.H. al-Rahim, Brill, Leiden 2003, pp. 25–45; id., “On the Manuscripts” cit.

۲- تصحیح مورد نظر در فهرست خطاهای اصلاح‌شده نسخه قاهره در «Bertolacci, *The Reception* cit., pp. 485–»

558» لحاظ نشده است، اما در ترجمه ایتالیایی من از الهیات ابن‌سینا مورد استفاده قرار گرفته است. رجوع شود به:

(*Libro della Guarigione, Le Cose Divine di Avicenna (Ibn Sīnā)*, a cura di A. Bertolacci, UTET, Turin 2007; henceforth: Bertolacci); see below, n. 30.

من توضیحات این مطلب را در سه بخش مورد بررسی قرار می‌دهم. در بخش اول، توضیح خواهم داد که چرا استعمال اصطلاح «أئیّت» در کتاب هیات محل مناقشه است. در بخش دوم، دلایل جایگزینی اصطلاح «أئیّت» با «إئیّت» را مطرح خواهم کرد. در بخش سوم، خواستگاه اصطلاح «أئیّت» را به اختصار توضیح می‌دهم و شواهدی مبنی بر اینکه کندی - فیلسوف مشهور عرب - نخستین کسی است که این اصطلاح را در آثار فلسفی‌اش استعمال کرده، عنوان خواهم کرد و احتمالاً بتوان دامنه استعمال ابن سینا از این اصطلاح را تا منطوق شفا بسط دهیم.

۱- استعمال غیر معمول اصطلاح «إئیّت» در هیات شفا (مقاله الأولى) - [الفصل الأول]

بررسی دقیق نسخه‌های کتاب هیات، و همچنین سنت تفسیری این اثر، نشان می‌دهد که یکی از نخستین اصطلاحات این اثر ابن سینا، همانند بسیاری دیگر از واژگان، به اشتباه در نسخه فعلی قاهره تکثیر یافته است. محور اصلی بحث در این اثر، اصطلاح کلیدی هستی‌شناختی «إئیّت» است که در عنوان فصل اول آن ذکر شده است. مصححان قاهره‌ای متن هیات و سایر بخش‌های کتاب شفا، همواره این اصطلاح را به صورت «إئیّت» (با حمزه زیر الف) تلفظ کرده‌اند، در حالی که به احتمال زیاد صحیح‌ترین نوشتار آن «أئیّت» (با حمزه بالای الف) است. اما، نگارش صحیح اصطلاح مورد بحث در اینجا مقصود ما نیست، و در ادامه با به کار بردن اصطلاح «أئیّت»، با توجه به احتمال بالای همین تلفظ، از پرداختن به این مسئله اجتناب خواهم کرد.^۱

1. In *A Greek and Arabic Lexicon: Materials for a Dictionary of the Mediæval Translations from Greek into Arabic*, ed. G. Endress, D. Gutas, Brill, Leiden (henceforth: GALex), vol. I, pp. 428-436,

این اصطلاح صرفاً به صورت «أئیّت» انتشار یافته و این نگارش می‌تواند به عنوان نگارش صحیح در نظر گرفته شود. در باب تلفظ‌های مختلفی که برای این اصطلاح ذکر شده‌اند، رجوع کنید به:

R.M. Frank, "The Origin of the Arabic Philosophical Term *anniyā*", *Cahiers de Byrsa*, 6, 1956, pp. 181-201, pp. 183-184, 199. The warning of A.-M. Goichon: "Ne pas confondre [sc. *anniyā*] avec 'innīyā, l'abstraite tiré de la conjonction *si* et qui indique la «conditionnalité» d'un jugement" (*Lexique de la langue philosophique d'Ibn Sīnā*, Desclée de Brouwer, Paris 1938; rist.

مؤسسه تاریخ علم عربی-اسلامی در «the J.W. Goethe University, Frankfurt am Main 1999, pp. 11-12» را می‌توان نادیده گرفت، چرا که اصطلاح «أئیّت» (که به صورت شرطیت «conditionnalité» ترجمه شده است) که

در پژوهش‌های حائز اهمیت اخیر که اصطلاح «أئیت» مورد بررسی قرار گرفته است، یعنی در ترجمه‌های عربی قرون وسطایی از آثار فلسفی یونانی، جایگاه گسترده آن در اصطلاحات فلسفی ابن‌سینا و در کل اصطلاحات فلسفی عربی، و ماهیت چالش‌برانگیز این اصطلاح برای مترجمان از زبان عربی به دیگر زبان‌ها در تمامی ادوار، چه آنهایی که به لاتین و چه آنهایی که به زبان‌های عصر نوین (مدرن) اروپایی دست به نگارش می‌بردند، در مجموع تأثیر و اهمیت خود را به نمایش گذاشته است.^۱ چالش‌های تفسیری اصطلاح «أئیت» عمدتاً به دلیل کثرت معانی آن است که در بسیاری از ترجمه‌های این اصطلاح به زبان اروپایی خود را نشان داده است و ذکر مختصری از برگردان لاتین این اصطلاح، نظیر «quoddité»، «haeccité»، «être»، «entitas»، «essence individuelle»، «existence» و الی آخر که تا حدی هم غامض می‌نمایند، صرفاً به منظور محدود کردن بحث و بررسی به استعمال این

گویچون (Goichon) توصیه می‌کند در این مورد باید از «أئیت» متمایز تلقی شود، به نظر او از حرف ربط «اگر» در فرمول تصویری «برهان اگر» (fictitious formula burhān) (که گویچون آن را به‌عنوان «استدلال اگر» (argumentation si) (Lexique cit., p. 22) یا «استدلال شرطی» (argumentation conditionnelle) ترجمه کرده است) مشتق شده است.

(Ibn Sīnā [Avicenne], *Livre des Directives et Remarques* [Kitāb al-Iṣārāt wa l-tanbihāt], traduction avec introduction et notes par A.-M. Goichon, Commission internationale pour la traduction des chefs-d'oeuvre, Beirut/Paris 1951; repr. 1999, p. 233, and n. 1).

باین‌حال، عبارت اصلی که ابن‌سینا در این زمینه‌های منطقی و معرفت‌شناسانه به کار می‌برد، در واقع برهان آنا است (یعنی «اثبات آن» که به اثبات واقعیت اشاره دارد) که در آنجا حرف ربط به کاررفته حرف ربط آنا (آن) است تا حرف ربط فرضی إن (اگر). اسم مشتق شده مرتبط با این فرض بنابراین باید «أئیت» خوانده شود. از این رو، اصطلاح «أئیت» نباید به صورت مجزا بررسی شود و باید با توجه به چارچوبی که در آن به کار می‌رود و در ارتباط با دیگر موضوعات و مفاهیم مرتبط در نظر گرفته شود. عبارت برهان آنا معادل عربی *أنا* است که در آنالوطیقای ثانی A, 13 مورد بحث قرار گرفته است. رجوع شود به:

(the rendering of *أنا* as *anna* and *al-annu* in the Arabic translation of *An. Post. A, 13* in *GALex*, vol. I, pp. 418, 427, 436). The contention “Nous n’avons pas rencontré chez Ibn Sīnā, pour le mot *anniyya*, le sens de «(preuve) par le *quia*, *ann*” (Ibn Sīnā, *Livre des Directives et Remarques cit.*, p. 307, n. 3) is therefore pointless.

۱- برای اطلاع از وضعیت فعلی مطالعات و پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته، با ارجاع به تمامی منابع و مآخذ معتبر، رجوع شود به:

A. Hasnawi, “Anniyya ou Inniyya (essence, existence)”, in *Encyclopédie philosophique universelle*. Publié sous la direction d’A. Jacob, vol. II: Les notions philosophiques, Presses Universitaires de France, Paris 1990, pp. 101–102. See also C. D’Ancona, “Platonic and Neoplatonic Terminology for Being in Arabic Translation,” *Studia graeco-arabica*, 1, 2011, pp. 23–45.

اصطلاح در آثار ابن سینا صورت گرفته است.^۱ با توجه به طیف گسترده‌ای از معانی مختلف این اصطلاح، می‌توان تمایل مترجمان قرون وسطی دورهٔ اوایل عصر نوین و معاصر برای ترجمهٔ ساده این اصطلاح^۲ را متوجه شد و لذا، موجب شد تا از خطر انتخاب صریح یکی از معانی ظریف آن اجتناب شود.^۳ این ابهام معنایی به دلیل کثرت زیاد معادل‌ها و مترادف‌های یونانی اصطلاح «أنیّت» در ترجمه‌های زبان یونانی به عربی که تمامی طیف هستی‌شناسی آن را شامل می‌شود، دارای تاریخچه‌ای طولانی و عمیق از ترجمه‌ها و تفاسیر مختلف است.^۴ به صورت اجمالی و در چارچوب واژگان و مفاهیم مربوط به حوزهٔ هستی‌شناسی، «أنیّت» نه تنها به مفهوم کلی «هویت» اشاره دارد، بلکه به نحو اخص، اشاره به دو قطب متضاد حوزهٔ هستی‌شناسی دارد که از یک سو نمایانگر «ماهیت» و از سوی دیگر نمایانگر «وجود» است. در این مقاله قصد ندارم فی‌نفسه «أنیّت» را مورد کندوکاو قرار داده

1. See Goichon, *Lexique cit.*, pp. 9–12, and the survey of previous scholarship in M.-Th. d’Alverny, “Anniyya-Anitas”, in *Mélanges offerts à E. Gilson*, ed. Pontifical Institute of Medieval Studies of Toronto, Vrin, Paris 1959, pp. 59–91 (on pp. 59–67). See also J. Michot, “La réponse d’Avicenne à Bahmanyâr et al-Kirmânî. Présentation, traduction critique et lexique arabe-français de la Mubâhatha III”, *Le Muséon* 110, 1997, pp. 143–221, p. 171 (“quoddité”), and Avicenna, *The Metaphysics of The Healing*. A parallel English/Arabic text translated, introduced, and annotated by M.E. Marmura, Brigham Young University Press, Provo (Utah) 2005 (henceforth: Marmura), p. 383, endnote 1

(در برخی سیاق، بهتر است که «أنیّت»/«أنیّت» را به «وجود» ترجمه کنیم)

2. anitas in the Medieval Latin translation of the *Ilāhiyyāt* (see Appendix below); alanie in the Latin translation by Andrea Alpago of the *Risāla Aḥḥawīyya fī l-maād*, Epistle of the Feast of Sacrimnce concerning the Return; anniyya in recent studies.

۳- D’Alverny چهار مرتبه دست به ترجمهٔ اصطلاح «أنیّت» در رسالهٔ اضحویه زده است (، *Anniyya-Anitas* cit., (pp. 86–88).

یکی از این استعمالات توسط لوجتا (Lucchetta) نیز در ترجمه ایتالیایی این اثر برگردان شده است:

(Avicenna, *Epistola sulla vita futura*. I. Testo arabo, traduzione, introduzione e note a cura di F. Lucchetta, Antenore, Padova 1969, p. 145, 9).

برای مشاهدهٔ یکی استعمالات اصطلاح «أنیّت» در مدخل شفا ابن سینا رجوع شود به:

M. Alonso Alonso, “La “al-anniyya” de Avicenna y el problema de la esencia y existencia (fuentes literarias)”, *Pensamiento*, 14, 1958, pp. 311–345 (p. 397).

۴- اصطلاح «أنیّت» در ترجمه‌های عربی از آثار فلسفی یونانی، برگردانی است از مجموعه‌ای از اصطلاحات هستی‌شناختی یونانی، نظیر هویت (تὸ εἶναι)، ماهیت (τὸ τί ἦν εἶναι، τὸ τί ἐστίν و τὸ εἶναι τινί)، همچنین

τὸ εἶναι با معنای وجودی ὑπάρχω (وجودیافتن) و ὑπόστασις (وجود). رجوع شود:

(GALex, vol. I, pp. 428–436). The occurrences of anniyya in Plotino, *La discesa dell’anima nei corpi* (Enn. IV 8 [6]). Plotiniana Arabica (Pseudo-Teologia di Aristotele, Capitoli 1 e 7; “Detti del sapiente greco”), a cura di C. D’Ancona, Il Poligrafo, Padova 2003, pp. 472–473, are prevalently translated as “essere”.

یا بار دیگر غرق در معضلات مربوط به خاستگاه، ماهیت و کاربرد آن شوم؛ بلکه قصد من نشان دادن این مطلب است که انتشار جغرافیایی و فکری و همچنین تنوع معانی این اصطلاح، به احتمال زیاد سبب بروز تغییرات و تحریقاتی در مجموعه نسخ خطی الهیات ابن‌سینا شده است. نتیجتاً، در نسخه‌های چاپی حال حاضر، اصطلاح شناخته‌شده‌تر «أئیّت» جایگزین اصطلاح کمتر شناخته شده و نادر «أئیّت» شد که گرچه همانند «أئیّت» اسم معنی است و تقریباً رسم الخط مشابهی دارند، اما معنای متفاوتی دارد و به کاربرد آن موضوعات و مباحث مطرح شده توسط ابن‌سینا در کتاب الهیات شفا دقیق‌تر و منطبق‌تر است.^۱

عنوان الفصل الأول (۱) الهیات شفا عبارت است از (اصطلاح «أئیّت» تعمداً ترجمه نشده است):

متن نخست: «فصل فی ابتداء طلب موضوع الفلسفة الأولى لتتین اینته فی العلوم»^۲

ابن‌سینا در این عنوان اظهار می‌دارد که هدف از بررسی موضوع فلسفه اولی (مابعدالطبیعه) روشن ساختن «أئیّت» آن است، به معنای دقیق‌تر، «أئیّت» موضوع فلسفه اولی است (همان‌گونه که اضافه شدن پسوند ضمیر مذکر به جای مؤنث به «أئیّت»، بر آن گواهی می‌دهد) و همچنین از طریق «أئیّت» این علم، تمامی حیطه‌ها و زمینه‌های مرتبط با آن مورد تأمل و شناخت قرار می‌گیرد.^۳ این ساختار مفهومی که در نوشته‌های ابن‌سینا هم غیرمعمول

۱- اصطلاح «أئیّت» در این مورد توجه قرار نگرفته است:

Goichon, Lexique, and A.-M. Goichon, *Vocabulaires comparés d'Aristote et d'Ibn Sīnā*, Desclée de Brouwer, Paris, 1939; rist.

2. Faṣḥun fī btīdāi ṭalabi mawḏūi l-falsafati l-ulā li-tatabayyana inniyyatuhū fī l-ulūm. Arabic text as in *Al-Sifā, al-Ilāhiyyāt* (1), ed. Ḡ.Š. Qanawafī, S. Zāyid, al-Haya al- āmma li-šu ūn al-maṭābi al-amīriyya, Cairo 1960; *Al-Sifā, al-Ilāhiyyāt* (2), ed. M.Y. Mūsā, S. Dunyā, S. Zāyid, al-Haya al- āmma li-šu ūn al-maṭābi al-amīriyya, Cairo 1960.

تعداد صفحات و سطرهای ترجمه لاتینی در بین گروه‌ها [] آمده است.

(Avicenna Latinus, *Liber de Philosophia prima sive Scientia divina*, I-IV. Édition critique par S. Van Riet. Introduction par G. Verbeke, Peeters-Brill, Louvain-Leiden 1977; *Liber de Philosophia prima sive Scientia divina*, V-X. Édition critique par S. Van Riet. Introduction par G. Verbeke, Peeters-Brill, Louvain-Leiden 1980).

۳- ارجاع دقیق پسوند ضمیری همچنان در بیشتر ترجمه‌های عصر نوین مبهم باقی مانده است، به استثنای ترجمه آلمانی

M. Horten :

(*Die Metaphysik Avicennas enthaltend die Metaphysik, Theologie, Kosmologie und Ethik, übersetzt und erläutert von M. Horten*, Leipzig 1907; repr. Minerva, Frankfurt am Main 1960; henceforth: Horten), in which it is referred ad sensum to first philosophy, rather than to the subject matter of first philosophy (see below, n. 12). Cf. the similar construction of the Latin translation (below, n. 23).

نیست، در اینجا مستقیماً مورد توجه ما نیست. به احتمال قریب به یقین، ابن سینا به تمایز موضوع مابعدالطبیعه با موضوعات سایر علوم و بالتبع به تمایز خود مابعدالطبیعه با سایر شاخه‌ها و حوزه‌های علمی اشاره دارد. براین اساس، مترجمان عصر نوین، اصطلاح مورد بحث را به صورت‌های گوناگونی همچون «ماهیت»، «طبیعت»، «قوام» یا «ماهیت جزئی» برگردانده‌اند.^۱ اما ترجمه‌هایی از این دست، اگر چه با قصد کلی ابن سینا در عنوان [الفصل الأول (۱)] الهیات شفا سازگار هستند، اما زمانی مسئله آفرین می‌شوند که آن‌ها را در بافت کلی الهیات شفا مورد توجه قرار دهیم. پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص فرهنگ اصطلاحات فلسفی ابن سینا نشان داده‌اند که «أئیت» معمولاً به معنای «ماهیت» و مفاهیم مرتبط با مباحث روان‌شناسی است. اما در مابعدالطبیعه ابن سینا، «أئیت» معنی متفاوتی دارد و به معنی «وجود» است که در مقابل «ماهیت» قرار دارد.^۲ استعمال «أئیت» در الهیات شفا عمدتاً محدود به دو مقاله خاص شده است، یکی در مقدمه مقاله الأولى، [الفصل الأول - الفصل الثانی] این اثر که از این اصطلاح برای ترسیم چهارچوب معرفت‌شناختی علم مابعدالطبیعه استفاده شده است و دیگری در مقاله الثامن، [الفصل الرابع - الفصل السادس] در فصل الهیاتی این متن که در آن ابن سینا به توصیف ذات خداوند می‌پردازد.^۳ معنی وجودی واضحی از «أئیت» در متن این دو مقاله به چشم می‌خورد. برای مثال، دو متن زیر را از نظر می‌گذرانیم:

1. Horten, p. 1: "Ein erstmaliges Suchen nach dem Objekte der prima philosophia, damit ihre eigentümliche Natur innerhalb der Wissenschaften klar werde" (cf. *ibid.*, fn. 5: "Wörtlich: 'ihre Individualität' "); Avicenne, *La Métaphysique du Shifā*. Livres I à V. Traduction, introduction, notes et commentaires par G.C. Anawati, Vrin, Paris 1978; Avicenne, *La Métaphysique du Shifā*. Livres de VI à X. Traduction, notes et commentaires par G.C. Anawati, Vrin, Paris 1985 (henceforth: Anawati), vol. I, p. 85: "Où l'on commence à chercher le sujet (mawḍū) de la philosophie première pour que soit manifestée son essence (anniya) [par rapport] aux sciences"; Avicenna (Ibn Sīnā), *Metamnsica. La Scienza delle cose divine (al-Ilāhiyyāt) dal Libro della Guarigione (Kitāb al-Šifā)*, a cura di O. Lizzini e P. Porro, Bompiani, Milano 2002, 20062 (henceforth: Lizzini), p. 17: "In cui si comincia a ricercare il soggetto della filosofia prima per rendere evidente il suo costituirsi come scienza"; Marmura, p. 1: "On beginning to seek the subject of first philosophy so that its individual quiddity among the sciences becomes evident". Cf. Alonso Alonso, "La "al-anniyya" de Avicena" cit., p. 389: "Se comienza a tratar del sujeto de la filosofía primera para manifestar su "al-anniyya" en relación con otras ciencias".

2. See Hasnawi, "Anniyya ou Inniyya (essence, existence)" cit., pp. 101-102.

۳- فهرست این استعمالات را می‌توان از واژه‌نامه‌های تصحیح انتقادی ترجمه لاتین برداشت کرد:

(Avicenna Latinus, *Liber de Philosophia prima sive Scientia divina*, I-X. Lexiques par S. Van Riet, Peeters-Brill, Louvain-la-Neuve-Leiden 1983), with the addition of the two occurrences omitted in the Latin translation: VIII, 4, p. 344, 11; VIII, 4, p. 346, 13 (see below, Appendix).

متن دوم: مقاله الأولى، الفصل الثانی، ص. ۱۳، ۱۱-۱۲ [ص ۱۳، ۳۴-۳۶]: ... إثبات الموضوع و تحقیق ماهیته فی العلم الذی هو موضوعه بل تسلیم اینته و ماهیته فقط.^۱
 متن سوم: الهیات مقاله الثامن، الفصل الرابع، ص. ۳۴۴، ۱۰-۱۱ [صص ۳۹۸، ۸۳-۳۹۹، ۸۴]: إن الأول لا ماهیه له غیر اذیه، وقد عرفت معنی الماهیه، وبما ذا تفارق اذیه فیما تفارقه فی افتتاح تیاننا.^۲

۱- ... إثبات الموضوع و تحقیق ماهیته فی العلم الذی هو موضوعه بل تسلیم اینته و ماهیته فقط.

Lat. transl.: “inconveniens est ut stabiliat suum subiectum an sit et certificet quid sit scientia cuius ipsum est subiectum, sed potius debet concedere tantum quia est et quid est” (emphasis mine). Anawati, p. 93: “Il est en effet impossible d’établir un sujet et de vérifier sa quiddité dans la science dont il est le sujet, mais il faut seulement admettre son existence (anniyya) et sa quiddité” (emphasis mine). Lizzini, p. 37: “È, infatti, impossibile stabilire [l’esistenza] del soggetto ed individuare che cosa esso sia nella stessa scienza di cui esso è il soggetto; in essa si dovrà, invece, soltanto ammettere che esso esista (anniyya) e che cosa esso sia (māhiyya)”; cf. n. 57, p. 1059: “O anche: «si dovranno ammetterne l’esistenza e la quiddità» (emphasis mine). Marmura, pp. 9-10: “[this] because of the impossibility of establishing the subject matter of a science and ascertaining its quiddity in the very science that has that subject), [it thus needs] only the admission of its existence and quiddity” (emphasis mine). Bertolacci, p. 156: “È impossibile, infatti, stabilire un soggetto [come esistente] e verificare la sua quiddità nella medesima scienza di cui esso è il soggetto; il fatto che il soggetto esiste e la sua quiddità, al contrario, vengono solamente ammessi [nella scienza di cui esso è il soggetto] (emphasis mine). Cf. Goichon, Lexique, pp. 9-10: “Ainsi va-t-il [i.e. Avicenna] jusqu’à parler de la ‘annīya de l’être, à propos de l’object de la métaphysique; son object étant «l’être en tant qu’être», cette science devra «dégager seulement sa annīya et sa māhiyya», qu’il y a de l’être comme tel et quel est sa quiddité” (emphasis mine). The only exception is represented by Horten, p. 20: “Est is nämlich unmöglich, daß die Feststellung der Existenz des Objektes und die Definition seines Wesens der Wissenschaft zufalle, deren (formelles) Objekt dieses selbst ist. Sie kann dasselbe höchstens als in seiner Individualität und seinem Wesen evident annehmen” (emphasis mine).

۲- إن الأول لا ماهیه له غیر اذیه، وقد عرفت معنی الماهیه، وبما ذا تفارق اذیه فیما تفارقه فی افتتاح تیاننا.

Lizzini, p. 783: “... il Primo non ha una quiddità che sia diversa dal suo proprio essere; sei già venuto a conoscenza, all’inizio di questa nostra esposizione, di quel che significa “quiddità” e del perché essa si differenzi dall’essere, laddove se ne differenzia”; cf. p. 1302: “Avicenna lo utilizza [sc. anniyya]... insieme a māhiyya “quiddità”, cui si oppone, per dare voce alla distinzione di essenza (māhiyya) ed esistenza negli enti creati e alla loro indistinzione in Dio (cfr. Ilāh., VIII, 4, p. 346)” (emphasis mine). Marmura, p. 274: “The First has no quiddity other than His individual existence. You have known the meaning of quiddity and the things by which it differs from individual existence at the beginning of this our exposition” (emphasis mine). Bertolacci, p. 644: “...il [Principio] Primo non ha nessuna quiddità che sia diversa dal fatto di esistere. Hai già appreso la nozione di quiddità, e grazie a che cosa essa si distingue dal fatto di esistere, nelle cose in cui ciò accade, all’inizio di questa nostra chiarificazione”. Cf. Hasnawi, “Anniyya ou Inniyya (essence, existence)” cit., p. 101b: “Le «Premier n’a pas une quiddité autre que son existence (a/inniyya)»” (emphasis mine). The Latin translation (“...primum non habet quidditatem nisi anitatem quae sit discreta ab ipsa”; the following sentence is omitted in Latin) and Anawati (vol. II, p. 86: “Le Premier n’a pas de quiddité autre que al-anniyya et tu [as] appris ce que signifie la quiddité et par quoi elle se distingue de la anniyya sur les points où elle en diffère, au début de notre présent exposé”) simply transliterate the term. Cf. Horten, p. 499: “...der erste Seiende keine Wesenheit im eigentlichen Sinne des Wortes habe, die verschieden sei von seiner Individualität. Den Begriff der Wesenheit hast du bereits kennen gelernt und ebenso das, wodurch er sich von der Individualität unterscheidet am Anfange unserer Darlegungen dieses Buches” (emphasis mine).

در هر دو مورد، همان‌طور که اکثر ترجمه‌های عصر نوین بر آن مهر تأیید می‌زنند، معقول‌ترین برگردان از «أئیت»، «وجود» است. این دو متن، متون شناخته شده‌ای در میان محققان بوده و نیازی به افزودن تفسیر و تحلیل فنی بیشتری، فراتر از تحلیل‌های ارائه شده در پژوهش‌های پیشین، نمی‌باشد.^۱ معنی وجودی «أئیت» در متن دوم، به واسطه تضاد آن با «ماهیت» و همسویی‌اش با «اثبات»، به معنی «اثبات وجود»، کاملاً مشهود است.^۲ دلالت ضمنی معنی وجودی «أئیت» در متن سوم حتی واضح‌تر است، چرا که نه تنها از طریق ضدیتش با «ماهیت»، بلکه با ارجاع به تمایز معروف بین «ماهیت، حقیقت» و «وجود» در الهیات شفا، مقاله‌الاولی [الفصل الخامس] ("وقد عرفت ...")، نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. گواه این معنی وجودی «أئیت» را همچنین می‌توان در اثبات سنخیتی که ابن‌سینا بین «أئیت» و «وجود»، دست‌کم در دو مورد مشترک از این دو اصطلاح در عبارات مقاله الثامن [الفصل الرابع] که ارتباط وثیق و تنگاتنگی با متن سوم دارد، مشاهده نمود.^۳ ضمناً، اگر در متن دوم، «أئیت» موضوع علم، به احتمال قریب به یقین، به معنای وجود آن باشد، به سختی می‌توان متصور شد که «أئیت» موضوع مابعدالطبیعه که در عنوان همان فصل (متن

۱- برای مشاهده شروع متن دوم و متن سوم رجوع شود به:

Bertolacci, *The Reception cit.*, pp. 123, 283, and Id., "The Distinction of Essence and Existence in Avicenna's Metaphysics: The Text and Its Context", in *Islamic Philosophy, Science, Culture, and Religion: Studies in Honor of Dimitri Gutas*, ed. F. Opwis, D.C. Reisman, Brill, Leiden, 2012, pp. 257-288.

۲- یکی از دومرتبه‌ای که اصطلاح «أئیت» در کثیری از مقاله‌الاولی، [الفصل الأول] (ص. ۵، ۱۷ [ص. ۴۵۹]) استعمال شده، می‌تواند معنایی مبهم‌تری داشته باشد: ابن‌سینا از «أئیت الله» سخن به میان آورده است، عبارتی که می‌تواند با «ذات العلة الأولى» مقایسه شود که چند خط قبل آمده است (ص. ۵، ۵ [ص. ۴۱-۴۲]). بر همین اساس، تفاسیر مبهمی برای «أئیت» در این بیان مطرح شده است.

(Lat. transl.: "ipse [sc. Deus]"; Anwati, p. 87: "être"; Lizzini, p. 21: "essere"; cf. Horten, p. 7: "eigentümliches Wesen").

تناظر تعیین‌کننده بین دو این مرتبه با اصطلاح «وجود الهی» (ص. ۶، ۱ [ص. ۴، ۶۴]) به دست می‌آید که امکان برگردان را، در این مورد، به مفهوم «وجود» می‌دهد. (il fatto) Bertolacci, p. 143: "existence"; Marmura, p. 3: "che esiste"

دومین مرتبه‌ای که اصطلاح «أئیت» در مقاله‌الاولی، [الفصل الأول] (ص. ۷، ۴ [ص. ۵، ۹۴]) به کاررفته، در عبارت مشابه «أئیت المبدأ الأول» است و در ترجمه لاتینی دوران میانه و اکثر ترجمه‌های عصر نوین، با اصطلاحاتی که

نشان‌دهنده وجود هستند، برگردانده شده است. (تنها مورد استثنا Horten, p. 9: "individuelles Wesen")

3. See VIII, 4, p. 346, 13 [om.]; VIII, 4, p. 347, 1 [p. 401, 34].

نخست) ذکر شده، به معنای «وجود» نباشد. آنچه از الهیات شفا به دست می‌آید، اساساً توسط منطق او مهر تأیید زده می‌شود، علی‌الخصوص توسط بخشی از کتاب شفا که متناظر است با آنالوطیقای ثانی (مبحث برهان) که «أئیت» یا به معنای «آن‌بودگی» است که با «لمیّت» در تضاد است،^۱ یا به معنای «وجود» است که با «ماهیت» در تضاد است که در این صورت «أئیت» بر اساس سیاق به کاررفته مابعدالطبیعه هم معنی با «وجود» است.^۲ با مدنظر قراردادن میزان استعمال این اصطلاح، به نظر می‌رسد که این کاربرد منطقی - مابعدالطبیعی که با تأکیدهای وجودی همراه است بیشتر از کاربرد روان‌شناختی آن است.^۳

به دیگر بیان، اصطلاح «أئیت» در الهیات شفا، برخلاف اینکه به معنای «ماهیت» و مفاهیم مشابه باشد، دقیقاً به مفهومی اشاره دارد که نقطهٔ مقابل «ماهیت» و اصطلاحات مرتبط با آن در حیطهٔ هستی‌شناسی است که - همانند نظام فلسفی ابن‌سینا - بر مبنای تمایز بین «ماهیت» و «وجود» استوار است. در این راستا، هرچند مترجم لاتینی متن نخست، اصطلاح «أئیت» را با وفاداری کامل به esse («هویت») برگردانده است، با این حال، او esse («هویت») را به «فلسفه اولی» نسبت می‌دهد، نه به «موضوع فلسفهٔ اولی» و اینکه او در ترجمهٔ لاتینی آن ("esse de numero scientiarum") تلقی اسنادی از آن دارد.^۴ لذا، بر اساس این ترجمهٔ لاتینی، ابن‌سینا به دلیل انطباق آن با بنیادی‌ترین الزام معرفت‌شناختی هر

1. Limayya is the spelling proposed by Goichon, *Lexique cit.*, p. 374 (#655), and *Voculaires cit.*, p. 32 (cf. *Liber de Philosophia prima sive Scientia divina*, I-X. *Lexiques cit.*, p. 122, #786). Hasnawi, "Anniyya ou Inniyya (essence, existence)" cit., transliterates this term as limmiyya.

۲- برای مشاهدهٔ موارد اشاره شده توسط Hasnawi رجوع شود به:

, "Anniyya ou Inniyya (essence, existence)" cit., the occurrence of anniyya in *Burhān IV*, 5 (*Al-Burhān min Kitāb al-Şifā*, ed. A. Badawī, *Maktaba al-nahḍa al-miṣriyya*, Cairo 1954, 1966, p. 228, 7; *Al-Şifā, al-Manṭiq, al-Burhān*, ed. A. Afīfī, *Al-Maṭbaa al-amīriyya*, Cairo 1956, p. 301, 2), can be added.

این سه استعمال از «أئیت» در 5, 1, 35, *Avicenna's Taliqāt*, ed. Badawī, p. 35, 1, 5, به نظر دارای معنای وجودی باشند (در هر سه مورد، این اصطلاح همزه در حرف اول چاپ شده است).

۳- با مدنظر قراردادن «کتاب شفا»، در مقایسه با پنج مورد شناخته‌شده‌تر اصطلاح «أئیت» در «البرهان» و چهارده مورد در «الهیات شفا»، تنها یک مورد از این اصطلاح در بخش روان‌شناسی استعمال شده است.

(*Avicenna's De Anima (Arabic Text)*, being the psychological part of the *Kitāb al-Shifā*, ed. F. Rahman, Oxford University Press, London-New York/Toronto 1959; repr. 1970, V, 7, p. 255, 9 [162, 55]), has been ascertained.

4. "Capitulum de inquisitione subiecti primae philosophiae ad hoc ut ostendatur ipsa esse de numero scientiarum".

علمی از سوی مابعدالطبیعه - یعنی برخورداری از موضوع - به شمول مابعدالطبیعه در میان سایر علوم اشاره می‌کند. اما، نه ماهیت علمی مابعدالطبیعه و نه حتی وجود خود این شاخه علمی - یا موضوع آن - نمی‌تواند آن چیزی باشد که ابن‌سینا در اینجا مدنظر دارد. جایگاه مابعدالطبیعه در میان نظام علوم از یک سو و همچنین وجود خود این علم و موضوع آن («موجود به ماهو موجود») از سوی دیگر، مباحثی نیستند که نخستین بار توسط ابن‌سینا مطرح و سپس توسط او تبیین شده باشند، بلکه آن‌ها در طبقه‌بندی علوم و بحث پیرامون مفاهیم اولیه‌ای که ابن‌سینا در فصول ابتدایی الهیات شفا (المقالة الأولى)، [الفصل الأول]، [المقالة الأولى] [الفصل الخامس] مطرح می‌کند، حقایقی بدیهی هستند که مسلم فرض شده‌اند؛ لذا، اصطلاح «أئیت» در این متن اگر به معنی «ماهیت» باشد، در این صورت تا حدودی در فرهنگ اصطلاحات فلسفی ابن‌سینا در الهیات شفا غیرمعمول می‌نماید،^۱ و یا اگر اصطلاحاتی که ابن‌سینا در این اثر استعمال می‌کند همواره معنایی یکسان داشته باشند، در این صورت، اصطلاح «أئیت» در عبارت المقالة الأولى، [الفصل الأول]، (که در این مورد «وجود» را می‌رساند)، کاملاً بی‌معنا خواهد بود. اما هیچ یک از این دو رویکرد اعتبار چندانی ندارند.

۲- «أئیت» در جای «أئیت»

شیوه تصحیح متون در تصحیح قاهره، هیچ گونه نسخه‌بدلی را برای خوانش اصطلاح «أئیت» در متن نخست نشان نمی‌دهد، گویی تمامی منابع و شواهدی که برای تهیه این تصحیح مورد استفاده قرار گرفته، این اصطلاح را واضح و بدون ابهام ذکر کرده‌اند. با این حال، با بررسی دقیق‌تر مجموعه این نسخ و شواهد و مدارک مرتبط با آن، دیدگاه‌های جدیدی پیش روی ما گشوده می‌شود. گرچه این خوانش از «أئیت» توسط چندین منبع و روایت مختلف از جمله نسخ مورد استفاده در چاپ قاهره (همانند چاپ سنگی تهران) و نیز دیگر

۱- مایکل ای. مارمورا (M.E. Marmura) از این غیرمعمول بودن آگاه بوده و اظهار می‌کند که: «این اصطلاح در نوشته‌های ابن‌سینا اغلب به وجود جزئی نیز اشاره دارد... و در برخی بافت‌ها، بهتر است «أئیت» / «أئیت» را به عنوان «وجود» ترجمه کرد (Marmura, p. 383, endnote 1).

نسخ مورد تأیید قرار می‌گیرد،^۱ اما این مجموعه منابع مورد استفاده در چاپ قاهره، خوانش جایگزین دیگری را برای «أئیت» ارائه داده‌اند که من این خوانش جایگزین را صحیح‌تر می‌دانم. یکی از نسخ مورد استفاده توسط مصححان قاهره (قاهره، دارالکتب ۸۲۶)، در تصحیح حاشیه‌ای خود، «أئیت» را جایگزینی برای «أئیت» ذکر می‌کند. شوربخانه، این حاشیه ارزشمند در سازوکار تصحیح متون توسط مصححان مورد استفاده قرار نگرفته است. در سایر نسخ نیز نوع مشابهی از تصحیحات حاشیه‌ای یا بین خطی صورت گرفته است، لذا این امر خود شاهدی بر این است که این خوانش موازی از «أئیت» پیش‌تر در محافل مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفته است.^۲ برای مثال، چاپ‌های تهران،^۳ دانشگاه ۴۲۱۴،^۴ مشکات ۲۴۲،^۵ تنها خوانش موجود را «أئیت» ذکر کرده‌اند.^۶ خوانش «أئیت» در برخی نسخ، خواه به صورت تصحیحی که بعداً اعمال شده باشد یا به‌عنوان بخشی از متن اصلی، بدون شک خوانشی غیر معمول‌تر به نظر می‌رسد، اما صحت این خوانش از شواهد کافی برخوردار است. از آنجا که بسیار بعید به نظر می‌رسد که محرر و کاتبی بشخصه و بدون توجه به منابع دیگر دست به تصحیح «أئیت» به «أئیت» زده باشد، از این رو، خوانش «أئیت» در نسخ مذکور به احتمال زیاد با اتکا و رجوع به نسخ معتبر و موثقی صورت گرفته است،

1. Among the manuscripts used in the Cairo edition, the reading anniyya is attested, for example, in ms. B (al-Azhar, Beḥīṭ 331 falsafa [ḥuṣūsiyya], 44988 [umūmiyya]; in this ms. the reading anniyya is confirmed by a collation mark); ms. M (British Museum [now: British Library, Oriental and India Office Collections], or. 7500); and Dār al-Kutub al-Miṣriyya, ḥikma wa-falsafa 262 (possibly used in the Cairo edition with the siglum H: see Bertolacci, *The Reception* cit., p. 483, n. 4). On the other hand, ms. D (Dār al-Kutub al-Miṣriyya, falsafa 894) is acephalous, whereas the incipit of the Ilāhiyyāt in ms. Ġ (Dār al-Kutub al-Miṣriyya, ḥikma 144) is hardly legible in the reproduction I have consulted. On ms. Ṣ, see below. Other codices attesting anniyya are, for example, Dār al-Kutub al-Miṣriyya, ḥikma wa-falsafa 349; Dār al-Kutub al-Miṣriyya, Ṭal at 363; Dār al-Kutub al-Miṣriyya, Aḥmad Taymūr Pāšā 140; Istanbul, Ayasofya 2389; Khoy, Madrasa Nimāzī 247; Oxford, Bodleian Library, Pococke 117; Tehran, Dānīshgāh, Mishkāt 243. Anniyya also appears, with no indication of variants, in the printed version of Āmulī, and is attested by one of the five unspecified codices whose incipits are photographically reproduced at the end of his edition (first specimen); on the other four manuscripts used by Āmulī, see below, n. 26.

2. See, for example, ms. Lucknow, Nadwat al-Ulamā, ḥikma wa-falsafa 59, and four of the five manuscripts used in Āmulī's printed version (see above, n. 25).

3. Tehran

4. Dānīshgāh 4214

5. Mishkāt 242

۶- از سوی دیگر، چندین نسخه خطی این اصطلاح را به صورت ناقص یا کاملاً بدون نقطه گذاری آورده‌اند، به گونه‌ای

رسم‌الخط آن را می‌توان هم به صورت «أئیت» و هم «أئیت» خواند. برای مثال، رجوع شود به:

(ms. Leiden, Universiteitsbibliotheek Or. 4; ms. Oxford, Bodleian Library, Pococke 125).

لذا، این خوانش توسط شواهد معتبر و قابل اعتمادی از نسخ قدیمی تر تأیید می‌شود. خوانش متفاوت «أئیت» و «أئیت»، صرفاً به علائم سجاوندی حرف دوم آن‌ها مربوط می‌شود؛ بنابراین، این اصطلاح یک نمونه بسیار آشکار برای نوعی از تحریف در نسخ است که در اصطلاح فنی به آن «خطای تصحیف» گفته می‌شود که متمایز از خطای اساسی تر تحریف است که در متن اصلی نویسنده تحریف صورت می‌گیرد، نه به این دلیل که رسم الخط یک یا چند حرف از یک کلمه مشخص، تغییر کرده است، بلکه به این دلیل است که برخی از حروف با حروف دیگر جایگزین شده‌اند.^۱ به عبارت دیگر، محرر و کاتبی به راحتی می‌توانست دست به تحریف اصطلاح کمتر متداول «أئیت» به اصطلاح رایج تر «أئیت» زده که نمونه‌ای است از چرخش متن به خوانش معمول تر و سهل تر آن یا اینکه محرر و کاتبی به اشتباه اصطلاح «أئیت» را که در متن الگو بدون علائم سجاوندی به نگارش درآمده را جایگزین «أئیت» کرده باشد. مضافاً اینکه خوانش «أئیت»، همان گونه که مجموعه‌ای از حواشی معاصران بر آن دلالت دارد، توسط مجموعه‌ای از منابع و شواهد دست دوم الهیات شفا مورد تأیید قرار می‌گیرد.^۲

«أئیت»، اسم معنی است که از ضمیر استفهامی أئ (کدام، چه، چه نوعی؟) اشتقاق یافته است؛ لذا، به معنای «کیفیت» یا «کیفیت مُشَخَّصه/مميزه» بوده و بر اساس این معنا، کاملاً با سیاق متن مدنظر ما مطابقت دارد. با جایگزینی «أئیت» در جای «أئیت»، متن نخست را می‌توان به شکل زیر برگرداند:

متن چهارم: «الفصل الأول (۱): فصل فی ابتداء طلب موضوع الفلسفة الأولى لتبیین أئیته

فی العلوم».^۳

1. See A. Gacek, *The Arabic Manuscript Tradition. A Glossary of Technical Terms and Bibliography*, Brill, Leiden 2001, pp. 31–32, 83.

2. See Muḥammad Maḥdī ibn Abī Ḍarr al-Narāqī (d. 1794 or 1795), *Šarḥ al-Ilāhiyyāt min Kitāb al-Šifā*, ed. M. Mohaghegh, Tehran 1986, p. 3 (quoted by Marmura, p. 383) and the other commentators mentioned in Ibn Sīnā, *Al-Šifā (al-Ilāhiyyāt)*, with Marginal Glosses by Mullā Šadrā and Others, ed. H. Najī Isfahani, Society for the Appreciation of Cultural Works and Dignitaries, Institute of Islamic Studies of Tehran, McGill University, Tehran 1383H.Š./2004, p. 3, n. 2.

3. See Bertolacci, p. 138: “Capitolo riguardante l’inizio della ricerca del soggetto della filosofia prima, affinché risulti chiara la sua qualità distintiva tra [i soggetti de] le scienze”.

باتوجه به تمام این دلایل و بدون در نظر گرفتن توضیحات بیشتر، اصطلاح «أئیت» صحیح بسیار محتمل تری برای «أئیت» در این متن به نظر می‌آید. از سوی دیگر، اصطلاح «أئیت» را که در نسخه‌بدل‌های موجود در متن نخست (رجوع شود به: Ms. Khoy, Madrasa Nimāzī 248) حضور دارد را مشتقی از «أئیت» و/یا «أئیت» (محتماً تلفیقی از هر دو) می‌دانم.^۱ لذا، با طیب خاطر می‌توان در متن نخست «أئیت» را در جای «أئیت» قرار داد.^۲

۳- خاستگاه اصطلاح «أئیت» و احتمال استعمال آن در بازنویسی رساله ایساغوجی توسط ابن‌سینا

فارغ از دلایل یادشده، جایگزینی «أئیت» در جای «أئیت» در متن نخست، به دلیل مهم دیگری نیز قابل تأمل است. این اصطلاح علی‌رغم استعمال نسبتاً نادر در زبان فلسفی عربی، دارای خاستگاه‌های بسیار معتبر و عمیقی در فلسفه عربی است. به‌عنوان مثال، کندی، بنیان‌گذار فلسفه اسلامی، در مهم‌ترین اثر مابعدالطبیعی خود که به بحث از «فصل» می‌پردازد، این اصطلاح را استعمال کرده است. ما بازیابی و تصحیح اصطلاح «أئیت» در آثار کندی را مدیون نسخه محمد عبد الهادی ابوریحی ۱۹۵۰^۳ هستیم، چرا که در نسخه قبلی توسط احمد فواد اهوانی (۱۹۴۸)،^۴ این اصطلاح به صورت «أئیت» آمده بود که تحریفی مشابه متن نخست ابن‌سینا در نسخه قاهره در آن به چشم می‌خورد.^۵ کندی اصطلاح «أئیت»

1. Ms. Khoy, Madrasa Nimāzī 248, is reported as attesting ayyiyya, instead of ayniyya, in Najī Isfahani's edition of *Ilāhiyyāt I-II* (p. 6; see above, n. 29). I have not been able to inspect the other Iranian codices allegedly supporting ayyiyya in this edition.

2. The overall number of occurrences of anniyya in the *Ilāhiyyāt* remains, however, the same (14 cases), since in VIII, 6, p. 358, 1 [p. 416, 39], *iṭṭnayiyya* ("two-ness" or "duality") in the Cairo edition should be corrected in anniyya as an instance of *lectio dikmncilior* (see Bertolacci, *The Reception* cit., p. 538, and Appendix, below).

3. M. A. Abū Rīda's 1950

4. A.F. al-Ahwānī (1948)

5. See *Kitāb al-Kindī ilā l-Mutaṣim bi-llāh fi l-falsafa al-ūlā*, in *Rasāil al-Kindī al-falsamniyya*, ed. M. A. Abū Rīda, vol. I, *Dār al-Fikr al-Arabī*, Cairo 1950, pp. 97–162, p. 129, 12, 14; cf. *Kitāb al-Kindī ilā l-Mutaṣim bi-llāh fi l-falsafa al-ūlā*, ed. A.F. al-Ahwānī, *Dār Ihya' al-kutub al-arabiyya*, Cairo 1948, p. 107, 14, p. 108, 1. R. Rashed and J. Jolivet (*Coeuvres philosophiques et scientimnques d'Al-Kindī. Volume II. Métaphysique et Cosmologie*, par R. Rashed et J. Jolivet, Brill, Leiden-Boston-Köln 1998, pp. 1–117) endorse the reading ayyiyya (p. 49, 12, 14), translating it as "quellété" (the siglum "alif" associated with anniyya in the critical apparatus must hence refer, at least in this case, to al-Ahwānī's edition, rather than Abū Rīda's). A.L. Ivry (*Al-Kindī's Metaphysics. A Translation of Yaḳūb al-Kindī's Treatise "On First*

را دومرتبه در مبحث فلسفهٔ اولی در بررسی کلیات خمس (نوع، جنس و فصل و عرض عام و عرض خاص) استعمال می‌کند. سیاق این متن نشان می‌دهد که پیشینهٔ استعمال «أئیت» توسط او به سنت عربی رسالهٔ ایساغوجی فرفوریوس برمی‌گردد، اثری که در آن، «فصل» حکایت از نوع خاصی از کیفیت (ποιότης) دارد که «أئیت» می‌تواند معادل عربی مناسب این اصطلاح را به دوش بکشد.^۱

کندی خود در شرح کتاب المجسطی بطلمیوس (فی الصناعات العظمی) و اسحاق اسرائیلی در کتاب الحدود و الرسوم و یحیی بن عدی در مقاله فی البحوث الاربعه العلمیه عن صناعات المنطق، ما را با سیاق دومی آشنا می‌کنند که اصطلاح «أئیت» در آن نقش مهمی در اندیشهٔ عربی ایفا می‌کند که نشان می‌دهد ادبیات مقدماتی فلسفهٔ اسلامی، ساختار و محتوای خود را، از شروع و تفاسیر یونانی آثار ارسطو در دوران باستان متأخر به ارث برده است. در مقدمه‌های یونانی نوشته شده بر مجموعه آثار ارسطو شامل چهار مقدمه‌ای است که به ترتیب موارد زیر را مورد بحث قرار می‌دهد: مسائل عام فلسفه به طور کلی، رسالهٔ ایساغوجی فرفوریوس به طور خاص، مجموعه آثار ارسطو به طور کلی و دیگر آثار او به طور خاص که با مقولات ارسطویی آغاز می‌شوند. در نخستین این مقدمات، چهار مسئله بنیادینی که توسط ارسطو در کتاب آنالوطیکای ثانی (مبحث برهان) بخش B، شماره ۱، مطرح شده‌اند - برای مثال، همان‌طور که در بازاندیشی و بازآرایی شرح تامسطیوس^۲ بر آنالوطیکای ثانی (مبحث برهان) آمده است - با هدف فراهم آوردن زمینه‌ها و پیش‌نیازهای

Philosophy" (fi al-Falsafah al-ulā), State University of New York Press, Albany 1974, p. 82) translates ayyiyya in Abū Rīda's edition as "quality".

1. In *Œuvres philosophiques et scientifiques d'Al-Kindī. Volume II. Métaphysique et Cosmologie cit.*, the "Notes complémentaires" 6 (pp. 101-102) and 48 (p. 106) indicate in Porphyry's *Isagoge* p. 11, 6-12 and In *Cat.* p. 95, 17-20 (*Porphyrii Isagoge et in Aristotelis Categorias Commentarium*, ed. A. Busse, CAG IV.1, Reimer, Berlin 1887) the background of Kindī's use of ayyiyya. The term ποιότης occurs, within the discussion of specific difference, in *Isagoge* 8, 17. Whereas the Latin translation of Boethius (*Aristoteles Latinus, Categoriarum supplementa, Porphyrii Isagoge translatio Boethii et anonymi fragmentum vulgo vocatum "Liber sex principiorum"*, edidit Laurentius Minio-Paluello adiuvante Bernardo G. Dod, Desclée de Brouwer, Bruges 1966, p. 15, 2) renders this term faithfully as "quality" (*qualitas*), the Arabic translation of Abū Uṭmān al-Dīmāṣqī (*Manṭiq Aristū*, ed. A. Badawī, 3 voll., *Maktabat Dār al-Kutub al-miṣriyya*, Cairo 1948-1952, vol. III, p. 1036, 17; cf. K. Gyekye, *Arabic Logic: Ibn al-Ṭayyib's Commentary on Porphyry's Eisagoge*, State University of New York Press, Albany, NY 1979, p. 105) provides a looser rendering with "nature" (ṭabīa). On ayyun as a translation of ποῖος, see *GALex*, pp. 688-689.

2. Themistius

لازم برای ورود به مطالعات عمیق‌تر فلسفی به کار گرفته شده‌اند. ما به کارگیری این چهار مسئله بنیادین در تمهیدات الیاس^۱ و داود^۲ برای فلسفه که بر مبنا و پایه اثر مفقود شده استادشان المپیدوروس^۳، نگاشته شده است را می‌توان مورد مذاقه قرار داد. به موجب این تفصیل، پرسش «أن» (ὅτι) در متن ارسطو جایگزین پرسش «أی شیء هو؟» (ὅτι τί) شده است و از این رو، مسئله‌ای که در ابتدای گفتار ارسطو طرح شده بود، در موضع پایانی تری مطرح می‌شود. در ارتباط با این الگوی یونانی در آثار مذکور یعنی آثار کندی، اسحاق اسرائیلی و یحیی بن عدی، اصطلاح «أئیت» به عنوان یک ویژگی برجسته و کلیدی در پرسش «أی شیء هو؟» (یا به اختصار أی)، به کاررفته است.^۴

در مرحله فعلی این پژوهش، به دلیل اینکه دو سیاقی که این اصطلاح در آن به کاررفته، ظاهراً به هم مرتبط و وابسته هستند، ارزیابی اینکه آیا ابن‌سینا از طریق گام اول یا گام دوم نهضت ترجمه به زبان عربی با این اصطلاح آشنا شده، دشوار می‌نماید. در واقع، در مباحث مقدماتی، هم در یونانی و هم در عربی، پرسش «أی شیء هو» صراحتاً با نقش شناختی «فصل»، همان‌گونه که در رساله ایساغوجی بحث شده، مرتبط است.^۵ در رابطه با تدوین و

1. Elias

2. David

3. Olympiodorus

4. See F. Rosenthal, "Al-Kindī and Ptolemy", *Studi Orientalistici in onore di G. Levi della Vida*, Istituto per L'Oriente, Rome 1956, vol. II, pp. 436–456 (also in Id., *Science and Medicine in Islam. A Collection of Essays*, Variorum, Aldershot, 1990, IV), p. 441; Isaac Israeli. *A Neoplatonic Philosopher of the Early Tenth Century. His Works Translated with Comments and an Outline of his Philosophy* by A. Altmann, S.M. Stern, Oxford University Press, London 1958; rist. Greenwood Press, Westport Connecticut 1979, pp. 13–14, 17 18; M.-Th. d'Alverny, "Anniyya-Anitas" cit., pp. 68–71. D'Alverny surmises ayyiyya to be the Arabic equivalent of the term *qualitas* ("quality" in Altmann and Stern's translation, p. 11) that appears in the Latin translation of Isaac Israeli's *Book of Demnitions*, whose Arabic original is lost (pp. 69–70). On p. 71, she discusses the relevant occurrence of ayyiyya in Yaḥyā ibn Adī's *Treatise on the Four Scientific Questions regarding the Art of Logic* (cf. G. Endress, *The Works of Yaḥyā ibn-Adī. An Analytical Inventory*, Reichert, Wiesbaden 1977, pp. 42–43). The occurrence of ayyiyya in al-Kindī's commentary on the *Almagest* is discussed in *Œuvres philosophiques et scientimnques d'Al-Kindī. Volume II. Métaphysique et Cosmologie*, cit., p. 106, ad n. 48. On ayyu with following genitive, or ayyu ṣayin, as a translation of ὄπιος, see *GALex*, pp. 691–692.

۵- مقاله الأولى، [الفصل الأول] به همراه سه فصل دیگر، مجموعاً مقدمات کتاب الهیات را تشکیل می‌دهند (در این چهارفصل، ابن‌سینا به بررسی موضوعات معمول نظیر موضوع، غایت، سودمندی، اصطلاحات، جایگاه در نظام علوم و تبیین مابعدالطبیعه می‌پردازد رجوع شود به (Bertolacci, *The Reception* cit., pp. 169–170). استعمال اصطلاح «أئیت» در عنوان این فصل نمی‌تواند با چهار پرسشی که در ادبیات مقدماتی مورد بحث قرار گرفته‌اند، مرتبط گردد، از این رو، ابن‌سینا سه پرسش دیگر را در این بخش نادیده می‌گیرد و چارچوب مقدماتی که در اینجا مطرح می‌شود،

انتشار این مفاهیم و اصطلاحات مرتبط به این حوزه به زبان عربی، کندی موقعیت سترگ و قابل توجهی را از آن خود کرده است. تا آنجا که اطلاع دارم، تنها کندی است که اصطلاح «أئیت» را در هر دو سیاق استعمال کرده است. او قطعاً نقشی اساسی در انتقال این ایده از منابع یونانی به اسحاق اسرائیلی (یکی از شارحان مکتب کندی) داشته است؛ و از آن جهت که او نخستین مؤلفی است که این اصطلاح را در مابعدالطبیعه استعمال کرده است، می‌توان او را الگوی بی‌واسطه ابن سینا در استعمال این اصطلاح در متن نخست قلمداد کرد.

اگر توافق داشتیم باشیم که خوانش ما در عنوان مقاله الأولى [الفصل الأول] الهیات شفا، جایگزینی «أئیت» در جای «أئیت» باشد، و اگر خواستگاه آن را با سنت عربی رساله ایساغوجی فروریوس مرتبط بدانیم، می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که آیا دست کم برخی از موارد استعمال اصطلاح «أئیت» در تصحیح فعلی بازنویسی ابن سینا از رساله ایساغوجی در کتاب شفا، مواردی که در این سیاق به بحث از فصل می‌پردازد، تحریفاتی از خوانش اصلی «أئیت» هستند یا خیر؟ در واقع، اکثر بیست و دو مورد ثبت شده از استعمال اصطلاح «أئیت» در فرهنگ موضوعی این نسخه، به بحث ابن سینا پیرامون «فصل» اشاره دارد.^۱ علاوه بر این، در ترجمه لاتینی تمامی موارد استعمال این اصطلاح، به استثنای یک مورد، همگی شامل صفت آیّ (quails) در اصطلاحاتی نظیر ماهیت شی (quale quid) یا ماهیت وجود (quale esse) هستند. این اصطلاح بیانگر آن است که مترجم/مترجمان لاتینی، محتملاً با واژه‌ای عربی در نسخه/نسخ عربی مور استفاده خود برای ترجمه برخورد

مقدمه‌ای است برای آشنایی با مفاهیم کلی فلسفه، نه صرفاً برای معرفی بخشی خاص از فلسفه ارسطو، مانند مابعدالطبیعه. در مقابل، سنتی که «أئیت» را با بحث رساله ایساغوجی مرتبط می‌کند (در رابطه با استفاده احتمالی رساله ایساغوجی در بازنویسی ابن سینا از ایساغوجی در الشفاء رجوع شود به (below, nn. 37-39)، به نظر می‌رسد تأثیر قاطع تری بر ابن سینا داشته است. اگرچه «مطلب این» توسط ابن سینا هنگام بازنویسی آنالوطبقای ثانی در شفا مورد مواجه قرار گرفته است (رجوع شود به Al-Burhān min Kitāb al-Šifā cit., I, 5, p. 68 passim; IV, 1, p. 261, 5, 9)، به نظر نمی‌رسد که او «أئیت» را در سیاق دوم استعمال کرده باشد.

(see Al-Burhān min Kitāb al-Šifā cit., I, 5, p. 68 passim; IV, 1, p. 261, 5, 9), he does not seem to use the term *ayyīya* in this latter context.

1. Al-Šifā, al-Mantiq, al-Madḥal, ed. Ḡ. Š. Qanawātī, M. Al-Ḥuḍayrī, A.F. Al-Ahwānī, Al- Maṭbaa al-amīriyya, Cairo 1952, p. 126; see the survey in Alonso Alonso, "La "al-annīyya" de Avicena" cit., pp. 377-378.

کرده باشند که در بردارنده اصطلاح «أی» بوده است.^۱ احتمال تحریف «أئیت» به «أئیت» در منطقی شفا با مندرجات موجود در المدخل، مقاله الأولى الفصل الثامن (فصل فی قسمه اللفظ المفرد الکلی إلى أقسامه الخمسه) و المدخل، مقاله الأولى الفصل الثالث عشر (فصل فی الفصل) مورد تأیید قرار می‌گیرد. در این دو مورد، در هنگام بحث از فصل، ابن‌سینا در سه موضع، اصطلاح چاپ‌شده «أئیت» را با پرسش «أی شیء هو» مرتبط می‌سازد.^۲ تنها تصحیحات انتقادی آتی از متن عربی و ترجمه لاتین مدخل ابن‌سینا، و پژوهش‌های نظام‌مند و تحلیل‌های عمیق مبانی موجود در این اثر، امکان اعتبار این فرضیه را ممکن می‌سازد؛ فرضیه‌ای که در حال حاضر در حد حدسی مقبول باقی می‌ماند.

نتیجه‌گیری

نوع پژوهش ارائه شده در این مقاله ظرفیت لازم برای گسترش و بسط بیشتر در زمینه‌ها و حوزه‌های مرتبط را دارد. اگر فردی آثار ابن‌سینا را از منظر هم‌زمانی بررسی کند، ممکن است بخواهد، برای مثال، استعمالات «أئیت» در روان‌شناسی ابن‌سینا را به طور دقیق مورد پژوهش قرار دهد. همان‌طور که گذشت، این اصطلاح به معنای «ماهیت، حقیقت» بوده و استعمال کمتری در آثار منطقی و مابعدالطبیعی او دارد. محققان برجسته، برگردان اصطلاح «أئیت» در سیاق روان‌شناسی به «أنائیت» و اصطلاحات مرتبط با آن مطرح کرده‌اند.^۳ آنها

1. This feature of the Latin translation is noticed by Goichon, *Lexique cit.*, pp. 10–11.

2. Al-Šifā, al-Manṭiq, al-Madḥal cit., p. 44, 14; p. 46, 2–3; p. 77, 13.

3. Hasnawi, “Anniyya ou Inniyya (essence, existence)” cit., p. 102a: “Ce fait rend légitime la traduction du terme a/inniyya dans ces passages par «moi» ou «je» que plusieurs exégètes ont suggérée” (with references to Gardet, Pines, d’Alverny and Lucchetta). See Goichon, *Lexique cit.*, p. 11: “(l’homme) sait que son haecceité (son «je») existant pour mieux dire [= anniyya] est quelque chose”; Avicenna, *Epistola sulla vita futura cit.*, p. 140, n. 1: “L’anniyya si potrebbe tradurre «egoità»”. Of the five occurrences of anniyya in the *Risāla Aḍḥawiyya*, Lucchetta translates three as “io” (“I”) (p. 13, 8, p. 141, 1, p. 143, 6; cf. “entità”, p. 147, 8, “anniyya”, p. 145, 9).

این گرایش برای برگردان «أئیت» با ضمیر شخصی، ریشه در مترجم لاتینی قرون وسطی دارد. این مترجم، اصطلاح «وجود ائینه‌آیه» در کتاب النفس ابن‌سینا (9, 255, 7, p. V) (Arabic Text) cit., را به «se esse» (p. 162, 55) برگردانده است که «esse» با وجود و «se» با «أئیت»

متناظر است. رجوع شود به:

(the “Lexique arabo-latin” in *Liber de Anima seu Sextus de Naturalibus*, IV–V. Édition critique par S. Van Riet. Introduction par G. Verbeke, PeetersBrill, Louvain-Leiden 1968, p. 216b). S. Pines, “La conception de la conscience de soi chez Avicenne et chez Abu’l-Barakat al-Baghdati”, *Archives d’Histoire Doctrinale et Littéraire du Moyen Âge*, 29, 1954, pp. 21–98,

مترجم این استعمال از «أئیت» را به «propre moi» برگردانده است و در حالی که همین اصطلاح را در موضعی دیگر به «e’tre» برگردانده است.

رجوع شود به:

همچنین اشتقاق اصطلاح «أَنْیْت» از ضمیر شخصی «أنا» (من) را در این موارد مطرح کرده‌اند.^۱ از آنجا که خود ابن سینا به نوعی رابطه خاص میان «أنا» (من) و «أَنْیْت» در بحث پیرامون یکی از مشهورترین برهان‌های روان‌شناختی خود («انسان معلق»)^۲ اشاره می‌کند، شاید بتوان پرسید که آیا «أَنْیْت» در این مورد و موارد مشابه، می‌تواند از منظر ابن سینا با «أنا» (من) ارتباط خاصی داشته باشد، نه با «أنا» و شاید همین ارتباط خاص - که در نگاه اول در سیاق منطقی یا مابعدالطبیعی چندان محتمل به نظر نمی‌رسد - بتواند توضیح‌دهنده دوگانگی استعمال این اصطلاح توسط ابن سینا باشد. از منظر سیر تحولات تاریخی، از

Abū l-Barakāt al-Bağdādī's Kitāb al-Muqtabar (ibid., p. 67), he remarks (ibid., n. 7): "Une autre traduction serait: son moi".

این نوع برگردان از استعمال «أَنْیْت» در سیاق مابعدالطبیعی نیز اعمال شده است. رجوع شود به:

J. Janssens, "Avicenne", in *Le vocabulaire des philosophes*, ed. J.-P. Zarader, vol. V: Supplements I, Ellipses, Paris 2006, pp. 13-64, p. 28: "la plénitude du «Je suis» divin (anniyya)".

¹ See Pines, "La conception de la conscience de soi" cit., p. 26, n. 1. M.E. Marmura, "Avicenna and the Problem of the Infinite Number of Souls", *Medieval Studies*, 22, 1960, pp. 232-239, pp. 238-239: "...

برداشت او از «أَنْیْت»، اصطلاحی که او از ضمیر شخصی اول شخص مفرد «أنا» به معنی «من» مشتق کرده است، ممکن است برگردان دقیق آن «أَنْیْت» باشد: cf. Marmura, p. 383.

شیوه نگارش ابن سینا در این فصل نشان می‌دهد که اصطلاح «أَنْیْت» برای او (دست کم در این مبحث) از ضمیر شخصی اول شخص مفرد «أنا» که به معنای «من» است، مشتق شده است، همان‌طور که اصطلاح «هویت» از ضمیر شخصی سوم شخص مفرد «هو» مشتق شده است.

Hasnawi, "Anniyya ou Inniyya (essence, existence)" cit., p. 102a, adopts a more cautious attitude: "elle [i.e. a/inniyya] peut être considérée comme rendant l'inspiration générale de ces passages où le term anā = moi est souvent prononcé, mais rien n'indique qu'il faille en conclure qu'a/inniyya y est positivement dérivé de anā, comme cela est explicitement le cas chez certains mystiques".

اگر «أَنْیْت» از ضمیر شخصی اول شخص مفرد «أنا» مشتق شده باشد، آنگاه نگارش آن باید «أناویة» (مشابه مشتق شدن

«دنیاویة» از «دنیا») یا «أنائیة» (مشابه مشتق شدن «سمائیة» از «سما») باشد؛ و در صورت چنین اشتقاقی، نگارش «أَنْیْت»

بسیار غیر معمول و بی سابقه خواهد بود.

۲- ابن سینا در باب چهارم رساله «اضحویه» که در آن «أَنْیْت» مکرراً استعمال شده است، با این گفتار آغاز می‌کند:

«هنگامی که انسان مناسب دید که در مورد چیزی که به‌خاطر آن «او» (هو) خوانده شود و خود را «من» (أنا) خطاب

می‌کند، تأمل نماید ...»:

(Avicenna, *Epistola sulla vita futura* cit., p. 141, 2-3: "Quando all'uomo capita di riflettere sulla cosa per cui si dice di lui «egli» e per cui egli dice di se stesso «io»...").

اسم معنی «هویت» که از ضمیر شخصی «هو» مشتق شده است، سه مرتبه در این متن استعمال شده است:

(Avicenna, *Epistola sulla vita futura* cit., p. 13, 10-11).

در بخش دیگری از باب چهارم، ابن سینا به ارتباط میان «أَنْیْت»، نه تنها با ضمیر «هو» بلکه با حرف «ان» اشاره می‌کند:

«... مفهوم «أَنْیْت» ... آن چیزی است که از آن (ان) [آن مرد] «او» (هو) فهمیده می‌شود.».

(Avicenna, *Epistola sulla vita futura* cit., p. 145, 9: "... ' il significato di anniyya... è... quella cosa dalla quale si sa che è «egli»").

سوی دیگر، بررسی بیشتر اینکه آیا محققان لاتینی قرون وسطی با اصطلاحی لاتینی به معنای «اُنیت» یا «هلیت» (anitas) روبرو بوده‌اند که دو معادل متفاوت در زبان عربی داشته است که اگر چنین بوده و اینکه امر چه آثار و پیامدهایی در پی داشته خواهد داشت، می‌تواند فتح بابی شایان توجه برای بحث و بررسی‌های بیشتر باشد. از سوی دیگر، آنان با اصطلاح لاتینی «anitas» آشنا بودند که معادل «اُنیت» در ترجمه لاتینی الهیات شفا ابن سینا است (ترجمه‌ای که احتمالاً توسط گوندیسالوی^۱ در نیمه دوم قرن دوازدهم میلادی در تولدو^۲ صورت گرفته است)،^۳ اصطلاح مرکبی که حاصل ترجمه بخش نخست معادل عربی (اَنَا-اِنَا برگردان لاتین an-) و ترجمه بخش دوم آن (برگردان پسوند اسم معنی -اِنیت، به معادل لاتین -itas)^۴ است. از سوی دیگر، آنها احتمالاً در ترجمه لاتینی ژرار کرمونایی^۵ از الحدود و الرسوم^۶ اسحاق اسرائیلی و رسائل إخوان الصفا^۷ با اصطلاح «anitas» برخورد داشته‌اند که می‌توان گفت برگردانی است از «هلیت»، نه «اُنیت» که در این برگردان، هم بخش اول این اصطلاح (برگردان ادات استفهام هل - به معادل لاتین an-) و هم پسوند عربی «اِنیت» (-itas) به درستی برگردانده شده‌اند.^۸

امید است پژوهش‌های آتی رویکردهای همسو و هم‌راستا با مباحث مطرح شده در این مقاله را دنبال کنند. تصحیح اصطلاح مورد بحث «اُنیت» در اینجا، نشان‌دهنده پذیرش و

1. Gundissalinus

2. Toledo

3. A. Bertolacci, "A Community of Translators: The Latin Medieval Versions of Avicenna's Book of the Cure", in *Communities of Learning: Networks and the Shaping of Intellectual Identity in Europe 1100–1500*, ed. C.J. Mews, J.N. Crossley, Brepols, Turnhout 2011, pp. 37–54.

4. Alonso Alonso, "La "al-anniyya" de Avicena" cit., p. 402, n. 24, and Goichon, *Lexique cit.*, p. 10, notice the corruption of anitas in unitas in the Venetian 1508 edition of Avicenna's works;

درخصوص ریشه این سنت تحریف متون و تصحیح پیشنهادی «anitas» به «entitas» توسط Godefroy de Fontaines رجوع شود به:

d'Alverny, "Anniyya-Anitas" cit., p. 78, n. 67, p. 91 and n. 122.

5. Gerard of Cremona

6. Liber de definitionibus

7. *introductionis in artem logicae demonstrationis*

8. This hypothesis is advanced by Altmann and Stern, Isaac Israeli. A Neoplatonic Philosopher cit., p. 10, §1 ad lin. 10, p. 13 and n. 2, and corroborated by d'Alverny, "Anniyya-Anitas" cit., pp. 69–70. On these translations, see C. Burnett, "Arabic Philosophical Works Translated into Latin", in *The Cambridge History of Medieval Philosophy*, ed. R. Pasnau, Cambridge University Press, Cambridge 2010, pp. 814–822, p. 394 and nn. 35, 39.

شناخت ابن سینا نسبت به اصطلاحی دیگر - یعنی اسم معنی «أئیت» - است که بیش از یک قرن پیش از وی، در آنچه حلقه مترجمان کندی نام گرفته، به عنوان بخشی از واژگان متکثر این حلقه، وضع و جعل شده بود. ابن سینا این اسم را به کرات در بخش منطقی مهم ترین و تأثیرگذارترین اثر فلسفی خود و حتی در گذرگاهی کلیدی و محوری در بخش مابعدالطبیعی همان اثر نیز مورد استعمال قرار داده است. پذیرش این اصطلاح توسط ابن سینا به خودی خود از اهمیت بسزایی برخوردار است، چرا که روشنگر بعدی ناشناخته از ادبیات فلسفی ابن سینا است. نظر به ارزیابی انتقادی فارابی و در پی آن ابن رشد، نسبت به اصطلاحات به کاررفته توسط کندی، به همراه دفاع از هستی‌شناسی ارسطو در برابر الگویی از تمایز بین ماهیت و وجود که ریشه در نوافلاطون‌گرایی^۱ دارد، رویکرد پذیرشی ابن سینا نسبت به «أئیت» و «هویت» و اصطلاحات مشابه (که اکنون می‌توان «أئیت» را نیز به آن افزود)،^۲ البته در سطح اصطلاح‌شناسی، می‌تواند ناظر به رهیافت و رویکرد همه‌جانبه‌تر او نسبت به سنت فلسفی عربی باشد. به دیگر بیان، استعمال اصطلاح مجعول «أئیت» کندی در عنوان مقاله‌ای که مبانی معرفتی («موجود به ماهو موجود») به عنوان موضوع مابعدالطبیعه و روش‌شناختی آن (الزامات معرفت‌شناختی کتاب آنالوطیقای ثانی) آشکارا از منظومه فکری ارسطو - از طریق نقش کلیدی و محوری فارابی در انتقال آن^۳ - وام گرفته شده‌اند، خود بیانگر تداوم عقبه الگو و نظام فکری مکتب فلسفی کندی در چارچوب مابعدالطبیعی است که به وضوح بر اساس معیارهای ارسطویی و فارابی‌پی‌ریزی شده است. بدین نحو که در این تفسیر از «ملکه علوم»، مواضع و مبانی بنیادین فلسفی، عمدتاً بر اساس خوانش

1. See S. Menn, "Al-Fārābī's Kitāb al-Hurūf and His Analysis of the Senses of Being", *Arabic Sciences and Philosophy*, 18, 2008, pp. 59-97; Id., "Fārābī in the Reception of Avicenna's Metaphysics: Averroes against Avicenna on Being and Unity", in *The Arabic, Hebrew and Latin Reception of Avicenna's Metaphysics. Proceedings of the Conference held at Villa Vigoni (Menaggio, Como), 2-6 July 2008*, ed. D.N. Hasse, A. Bertolacci, De Gruyter, Berlin 2012, pp. 51-96. In the first essay, Menn includes *ayyiyya* (as well as *limiyya*, "whyness", and *aysa*, "being") among the Kindian terms "which did not survive into the standard Arabic philosophical lexicon" (p. 92): if the analysis proposed here is correct, Menn's contention—at least with regard to Avicenna—should be nuanced.

2. Avicenna's resuscitation of another term of Kindian coinage (*aysa*, "being") is aptly remarked by J. Janssens, "Al-Kindī: The Founder of Philosophical Exegesis of the Qurān", *Journal of Qur'anic Studies*, 9, 2007, pp. 1-21, p. 6 and n. 35.

3. I have dealt with this topic in *The Reception* cit., pp. 111-147, and "Avicenna and Averroes on the Proof of God's Existence and the Subject-Matter of Metaphysics", *Medioevo*, 32, 2007, pp. 61-97.

فارابی از «مابعدالطبیعه» ارسطو بنا شده‌اند، اما پیوستگی آن با سنت و مکتب فکری کندی منتفی نشده است، به گونه‌ای که بقایای دیدگاه کندی دربارهٔ مابعدالطبیعه، خود را کم‌وبیش چه در قالب اصطلاح‌شناسی و چه در مبانی معرفتی و ساختاری نشان می‌دهند.^۱ این امر را می‌توان دلالتی آشکار از تلاش سترگ ابن‌سینا در جهت تلفیق مکاتب فکری مختلف به شمار آورد که نه تنها در مابعدالطبیعه، بلکه در دیگر حوزه‌های اندیشهٔ او متجلی شده است.^۲

تغییر یک حرف در واژه‌ای که آغازگر رسالهٔ چند صد صفحه‌ای مابعدالطبیعی است، نه تنها درک بهتری از مفهوم عبارتی که آن واژه در آن واقع شده به دست می‌دهد، بلکه دیدگاه انسجام‌یافته‌تری نسبت به واژگان و اصطلاحاتی که مؤلف در نگارش خود به کار گرفته و همچنین شناخت عمیق‌تری از جهت‌گیری‌های نظری و گرایش‌های مکتبی او فرا روی ما می‌گشاید. من این امر را به‌عنوان نمونه‌ای بارز قلمداد می‌کنم که چگونه کاوش در لایه‌های زبانی و معنایی متن یک اثر، زمینه‌ساز درک عمیق‌تر ما از روح آن اثر و نیز جایگاهش در تاریخ فلسفه را فراهم می‌آورد و لذا پیش‌نیازی ضروری برای شناخت ارزش‌های فلسفی آن اثر است.

ضمائم

استعمال «أئیت» و «أئیت» در الهیات شفا ابن‌سینا

- ۱) المقالة الأولى [الفصل الأول] ص ۳، بند ۷.
- ۲) المقالة الأولى [الفصل الأول] ص ۵، بند ۱۷.
- ۳) المقالة الأولى [الفصل الأول] ص ۷، بند ۴.

۱- برای اطلاع از میزان تأثیر کندی بر مابعدالطبیعه ابن‌سینا، رجوع شود به:

my "From al-Kindī to al-Fārābī: Avicenna's Progressive Knowledge of Aristotle's Metaphysics according to his Autobiography", *Arabic Sciences and Philosophy* 11.2, 2001, pp. 257–295, and the data gathered in Bertolacci, *The Reception* cit., pp. 461–462.

2. A harmonizing tendency can be detected also in Avicenna's zoology with regard to Aristotle's biology and Galen's medical theory (see R. Kruk, "Ibn Sīnā on Animals: Between the First Teacher and the Physician", in *Avicenna and His Heritage. Proceedings of the International Colloquium "Avicenna and his Heritage"*, Leuven-Louvain-la-Neuve, 8–11 September 1999, ed. J. Janssens and D. De Smet, Leuven University Press, Leuven 2002, pp. 325–341; F. Sanagustin, *Avicenne (XIX siècle), théoricien de la médecine et philosophe— Approche épistémologique*, Presses de l'Ifpo, Damas 2010).

- ٤) مقاله الأولى [الفصل الأول] ص ١٣، بند ١٢.
- ٥) مقاله الثامن [الفصل الرابع] ص ٣٤٤، بند ١٠.
- ٦) مقاله الثامن [الفصل الرابع] ص ٣٤٤، بند ١١.
- ٧) مقاله الثامن [الفصل الرابع] ص ٣٤٦، بند ١٢.
- ٨) مقاله الثامن [الفصل الرابع] ص ٣٤٦، بند ١٣.
- ٩) مقاله الثامن [الفصل الرابع] ص ٣٤٧، بند ١.
- ١٠) مقاله الثامن [الفصل الرابع] ص ٣٤٧، بند ٢.
- ١١) مقاله الثامن [الفصل الرابع] ص ٣٤٧، بند ٥.
- ١٢) مقاله الثامن [الفصل الخامس] ص ٣٥٤، بند ١٢.
- ١٣) مقاله الثامن [الفصل السادس] ص ٣٥٨، بند ١.

کتاب شناسی

١. ابن سینا، الشفاء، المنطق، المدخل، تحقیق جورج شحاته قنواتی، محمود الخضیری، احمد فواد الاهدانی، المطبعة الأميریه، قاهره ١٩٥٢.
٢. الشفاء، اهلہیات (١)، تحقیق جورج شحاته قنواتی، سعید زاید، الهيئة العامة لشؤون المطابع الامیریة، القاهرة ١٩٦٠؛ الشفاء، اهلہیات (٢)، تحقیق محمد یوسف موسی، سلیمان دنیا، سعید زاید، الهيئة العامة لشؤون المطابع الامیریة، القاهرة ١٩٦٠.

3. Die Metaphysik Avicennas enthaltend die Metaphysik, Theologie, Kosmologie und Ethik, übersetzt und erläutert von M. Horten, Leipzig 1907; repr. Minerva, Frankfurt am Main 1960.

4. Avicenne, La Métaphysique du Shifā. Livres I à V. Traduction, introduction, notes et commentaires par G.C. Anawati, Vrin, Paris 1978; Avicenne, La Métaphysique du Shifā. Livres de VI à X. Traduction, notes et commentaires par G.C. Anawati, Vrin, Paris 1985.

5. Avicenna (Ibn Sīnā), Metamnsica. La Scienza delle cose divine (al-Ilāhiyyāt) dal Libro della Guarigione (Kitāb al-Şifā), a cura di O. Lizzini e P. Porro, Bompiani, Milano 2002, 2006.

6. Avicenna, The Metaphysics of The Healing. A parallel English-Arabic text translated, introduced, and annotated by M.E. Marmura, Brigham Young University Press, Provo (Utah) 2005.

7. Libro della Guarigione, Le Cose Divine di Avicenna (Ibn Sīnā), a cura di A. Bertolacci, UTET, Turin 2007.

8. d'Alverny, M.-Th., "Anniyya-Anitas", in Mélanges offerts à E. Gilson, ed. Pontifical Institute of Medieval Studies of Toronto, Vrin, Paris 1959, pp. 59-91.

9. Bertolacci, A., The Reception of Aristotle's Metaphysics in Avicenna's Kitāb al-Şifā: A Milestone of Western Metaphysical Thought, Brill, Leiden-Boston, 2006, pp. 483-485.

10. Id., “On the Manuscripts of the *Ilāhiyyāt* of Avicenna’s *Kitāb al-Šifā*”, in *Islamic Thought in the Middle Ages. Studies in Text, Transmission and Translation*, in Honour of Hans Daiber, ed. A. Akasoy, W. Raven, Brill, Leiden 2008, pp. 59–75.
11. Frank, R.M., “The Origin of the Arabic Philosophical Term *anniyya*”, *Cahiers de Byrsa*, 6, 1956, pp. 181–201.
12. *A Greek and Arabic Lexicon: Materials for a Dictionary of the Mediæval Translations from Greek into Arabic*, ed. G. Endress, D. Gutas, Brill, Leiden, in progress.
13. Hasnawi, A., “*Anniyya* ou *Inniyya* (essence, existence)”, in *Encyclopédie philosophique universelle*. Publié sous la direction d’A. Jacob, vol. II: Les notions philosophiques, Presses Universitaires de France, Paris 1990, pp. 101–102.